



عکس: نسیم حسینی/ ایران

از راست: باقر شاملو، حسین میر محمد صادقی و هوشنگ پوربابایی

حضور حسین میرمحمد صادقی ، باقر شاملو و هوشنگ پوربابایی

# ولایت دستگاه قضایی

غیرعلنی همواره موضوع بحث‌انگیزی بوده است. آقای‌از‌های چندباری گفتند که راغب هستیم جلسات دادگاه به‌صورت علنی برگزار شود. اسامی متهمان هم اعلام شود اما قانون به ما این اجازه را نمی‌دهد. شما به‌عنوان وکیل دادگستری، فکر می‌کنید که باید در راستای اصل شفافیت در این زمینه چاره‌اندیشی شود تا شایعات حول و حوش آن از بین برود؟

**پوربابایی:** اگر به قانون آیین دادرسی کیفری سابق برگردیم ماده ۱۸۸ آن، تکلیف علنی

یا غیرعلنی بودن محاکم را به درستی اعلام

کرده بود. علنی کردن تا معنی قضایی نیست که بخواهیم در رسانه‌های عمومی ریز

جریان دادگاه را منتشر کنیم و اسامی متهم

یا متهمان را اعلام کنیم. چون تا زمانی که

حکم قطعی برای متهم صادر نشده باشد

این‌که جلسه دادرسا در مرحله تحقیقات مقدماتی-در خصوصی که عرض می‌کنم بحث دعاوی کیفری است، محرمانه است و اصولاً نباید این انتظار را داشت که اصحاب رسانه و مردم حضور یابند. اما زمانی که پرونده منتهی وارد دادگاه می‌شود قاضی عنصر عدلی بین دادستان و متهم است.

اگر بخواهیم این عدالت را تضمین کنیم

باید اجازه دهیم افرادی که آگاه هستند به

عنوان هیأت منصفه -البته نه به معنای

اخص کلمه که در قانون آمده- حضور

داشته باشند. چه اشکالی وجود دارد؟

اگر من به‌عنوان قاضی و مقام قضایی نیست

اصول قانونی را رعایت می‌کنم تفاوتی

بین متهمان نمی‌بینم و اگر به دادستان به

عنوان یک مدعی نگاه می‌کنم، به متهم هم

همان نگاه را دارم یا به اصطلاح حقوقدانان

طبیعی است که اعتماد نمی‌کنند.

■ **آقای میرمحمد صادقی:** شما به بحث

**سیاست ورود کردید ولی در مواردی حداقل**

**در پرونده‌های مشخصی این مورد را می‌بینیم**

**که انگار گریزی از آن وجود ندارد. البته نه به**

**معنی سیاسی کاری بلکه در ارتباط با سیاست.**

**مثلاً در پرونده فعالان محیط زیست و یادر**

**پرونده‌های دیگری که بحث جاسوسی در آن**

**مطرح می‌شود نهادهای اطلاعاتی دولت**

**یک نظری دارند و نهادهای دیگر امنیتی**

**نظردیگری. اگر فلان فرد جاسوس هست**

**چه کسی باید آن را تشخیص دهد و دستگاه**

**قضایی براساس تشخیص کدامیک از نهادها**

**باید نظربهد؟**

**میرمحمد صادقی:** این بحث‌هایی که

می‌فرمایید تنها در مورد بحث‌های سیاسی

مطرح نیست. یعنی در هر امری که نیاز به

کارشناسی است می‌توان همین سؤال را

مطرح کرد. در بحث‌های سیاسی ممکن

است نهادهایی که مرجع تشخیص این

باشند تکلیف آن در قانون مشخص است.

این قاضی است که تعیین‌کننده نهایی

است تااز مجموعه ادله‌ای که کارشناسان

مختلف -ممکن است از نهادهای امنیتی و

اطلاعاتی باشند- ارائه می‌دهند و همچنین

ادله‌ای که از آنان می‌خواهد به این نتیجه

می‌رسند که این متهم باید محکوم بشود یا

نه. اساساً این که بگویم نظر یک کارشناس

برای قاضی تعیین تکلیف کند کار نادرستی

است. قاضی است که باید به افتاع وجدانی

برسد که این ادله‌ای که وجود دارد درست

و صحیح است. البته ممکن است برخی

از جرایم جنبه سیاسی هم پیدا کنند، آن

اشکالی ندارد. مثلاً یکی از ایراداتی که به

مسئولان سابق قوه قضائیه که بنده شخصاً

خیلی برای ایشان احترام قائل هستم وارد

می‌کردند، این بود که ایشان در مسائل

سیاسی خیلی اظهارنظر می‌کنند. حالا

ممکن است که به‌عنوان یک شهروند

و یا رئیس یک قوه و یا بخشی از سه قوه

اظهارنظر کند. اما این اظهارات در میان

مصلحت نظام، اما باید این را دانست که

هیچ مصلحتی برای نظام و حاکمیت و

مردم مهم‌تر از رعایت قانون و قانونگرایی

نیست. مصلحت‌گرایی‌های دروغین حتی

گاهی مستضعف‌گرایی‌های دروغین راه به

جایی نمی‌برد. بعضی وقت‌ها افرادی در

اظهارات خود می‌گویند که قاضی باید به

نفع مستضعفین رأی بدهد. نه، چه معنی

است. اتفاقاً این چیزی است که در خود

قرآن هم تقیح شده. دو نفر پیش حضرت

داوود می‌روند. یکی از آنها می‌گوید که این

فرد ۹۹ گوسفند دارد و من یک گوسفند، حالا

می‌گویند که همان یک گوسفند را هم به من

بده. حضرت داوود بدون بررسی می‌گوید که

عجب ظلمی به تو می‌کند. بعد بلافاصله

حضرت داوود سرزنش می‌شود که چرا

بدون شنیدن حرف طرف مقابل رأی داده

است.

موضوعی را که دکتر پوربابایی در مورد بحث

شفافیت مطرح کردند هم باز خیلی مسأله

مهمی است. یک ضربه‌المثل در حقوق

انگلیس است که می‌گوید: اجرای عدالت

فقط مهم نیست. این‌که اجرای عدالت

دیده شود مهم است و این مبنای علنی

بودن دادگاه‌ها است. قانون مشخص کرده

که نمی‌شود دادگاه غیرعلنی باشد مگر

این‌که دو دلیل خلاف عفت و خلاف امنیت

در پرونده وجود داشته باشد. براساس

همین اصل است که می‌گویم مردم باید

عدالت را ببینند که اجرا می‌شود و خود

این موضوع در ایجاد اعتماد مردمی به

قوه قضائیه خیلی مؤثر است.

■ **اواخر مجلس نهم طرح جرم سیاسی در**

**مجلس به تصویب رسید و شورای نگهبان**

**هم آن را تأیید کرد اما در این چند سال یک**

**پرونده هم نبوده که در قالب جرم سیاسی**

**رسیدگی شود. چرا بحث جرم سیاسی به**

**جایی نمی‌رسد؟**

**شاملو:**سیاسی کردن قوه قضائیه یک آسیب

بزرگ و ضربه مهلک برای نظام اجتماعی

و حقوقی ما و خود قوه قضائیه است.

بنابراین ما را به سمت قوه قضائیه باید

سعی کند از عملکرد سیاسی قوه قضائیه

و انتخاب شعب خاص برای رسیدگی به

جرایم خاص و هدایت شده جلوگیری کند

تا موجب جلب اعتماد عمومی شود. اگر

استقلال قاضی و دستگاه قضایی حفظ شود

و از گروه‌های خاص سیاسی حمایت نکنند

باعث می‌شود که این امر تحقق یابد.

قاعدتاً قاضی بالاترین و مهم‌ترین مرجع

برای تشخیص جرم و مجرم بودن فرد است

اما فرهنگ عمومی ما هم اگر انهمی متوجه

کسی بود باید آنقدر اعتماد داشته باشد و

بگوید که دستگاه قضایی با کامل استقلال

و با رعایت اصول رسیدگی کرده و حکم

در نظام اجتماعی ما هم این واقعیت دارد.

اما باز هم تشخیص مصلحت در اینجا

صورت می‌گیرد و ضربه خود را وارود می‌کند.

خبرگان قانون اساسی تشخیص دادند که

جرم سیاسی وجود دارد. برای رسیدگی به

آن نیز فرآیندهایی را پیش‌بینی کرده‌اند که

با حضور هیأت منصفه برگزار می‌شود. اما با

کدام هیأت منصفه؟ در سال‌های گذشته در

مورد هیأت‌های منصفه جرایم مطبوعاتی

همواره شاهد بودیم که یک هیأت منصفه

سیاسی وضع کردند. یعنی باز هم تشخیص

غلط مصلحت کردند و گفتند که اگر هیأت

منصفه را از یک جناح سیاسی و از یک افراد

خاصی قرار بدهیم به مصلحت مملکت

است. اخیراً یک طرحی برای اصلاح قانون

جرم سیاسی داده شد. به این دلیل که نقاط

ضعف آن را از بین ببرند که البته به نظر من

طرح بدی نیست و تا حدی قابل دفاع است.

■ **یک سؤال مشترک را از شما اساتید دارم**

**و آن در مورد بحث فساد است که مبارزه با**

**آن هم از سوی آقای رئیسی مورد تأکید قرار**

**گرفته و هم در حکمی که از سوی مقام رهبری**

**برای ایشان صادر شده مورد توجه قرار گرفته.**

**در چند ماه اخیر برگزاری دادگاه‌های متعدد**

**مفاسد اقتصادی را در حجم بالایی شاهد**

**بودیم. قاعدتاً یک وجه آن باید باعث مسرت**

**باشد که با فساد برخورد می‌شود اما یک طرف**

**دیگر هم آشکار شدن یک نگرانی جدی از رخ**

**دادن این حجم از فساد در کشور است که آن**

**هم عمدتاً در دستگاه‌های اتفاق می‌افتد که**

**به حاکمیت وصل هستند. آقای پوربابایی،**

**چطور رویکرد پیشگیرانه را می‌توان در این**

**موارد داشت؟**

**پوربابایی:** در مورد فساد واقعاً باید به

این نکته اعتراف کنیم که قوه قضائیه در

اینجا مظلوم واقع شده است. چرا که همه

نگاه‌ها را به سمت قوه قضائیه می‌بریم و

می‌گوییم که چرا این قوه با فساد مبارزه

نمی‌کند. در حالی‌که ریشه این‌گونه مسائل

اقتصادی و با همان فساد در قوه قضائیه

نیست. می‌توان گفت که بیشتر قضائیه

اجرائی ما و از طریق ثانی موقعتنه با عدم

تصویب قوانین، مجرای وقوع فساد را ایجاد

می‌کنند و زمانی‌که به هر دلیلی با از طریق

قوه قضائیه و با از طریق دستگاه‌های نظارتی

این فساد کشف می‌شود کسی توجه نمی‌کند

که عامل بوجود آورنده این فساد چه کسی

بوده اما توقع دارند که دستگاه قضایی به

بدترین وجه و با بهترین شیوه با او برخورد

کرده و حقوق عامه را برگرداند. این نگاه

درستی نیست.

همان‌طور که در ابلاغی که مقام رهبری به

رئیس قوه دادند و گفتند که سران سه قوه

باید همکاری لازم را با هم داشته باشند.

یکی از شرایط همکاری این است که قوه

مقتله باید قوانینی را تصویب کند که امکان

وقوع فساد را به جامعه ندهد. شیوه‌های

نظارتی کارگزاران دولت باید به نحوی

برگردد و آنقدر نظارت‌ها بر آنان زیاد باشد

که نتوانند زمینه اختلاس را برای خود فراهم

کنند.

■ **دکتر میرمحمد صادقی، مسئولان دستگاه**

**قضایی در دوره قبل بر مبارزه با فساد تأکید**

**می‌کردند ولی عملاً هرچه به سال‌های آخر**

است که منشأ فساد چیست؟ بنده چند

عامل را مؤثر می‌دانم که اولین آن دولتی

بودن اقتصاد ایران است. ۸۰ درصد اقتصاد

ایران دولتی است و اقتصاد دولتی در هر جا

بوده، منشأ فساد بوده و هست. با وجود همه

شعارهایی هم که دادند تا خصوصی‌سازی

انجام شود اما عملاً این اتفاق نیفتاده.

بالاخره نهادهای دولتی و شبه دولتی

هستند که اقتصاد را می‌چرخانند. ما بخش

خصوصی نحیفی داریم و باید این مسأله

حل شود و دولت پایش را از دامن اقتصاد

بیرون بکشد. طبعاً این باعث پدید آمدن

امضاهای طلایی شده که بالاخره امضای

یک فرد می‌تواند به دیگری مجوز ساخت

واردات و صادراتی که میلیاردها تومان

ارزش دارد بدهد.

مورد دیگری بحث عدم شفافیت است. خیلی

وقت‌ها تصمیمات داخل اتاق‌های درسته

گرفته می‌شود و مردم در جریان روند پرونده

نیستند تا بتوانند تشخیص دهند که در اینجا

فسادی اتفاق افتاده است یا خیر. بخشی

هم ممکن است خلاهای قانونی باشد. ما

تعدادی اعمال نفوذ بر خلاف حق داریم که در

سال ۱۳۱۵ به تصویب رسید. ۸۳ سال قبل.

در حالی‌که همین امروز اعمال نفوذ ممکن

است که خیلی بیشتر از رشوه دادن بر کارها

تأثیر بگذارد. بحث برخورد‌ها هم هست.

همه اینها را باید در کنار هم دید تا با فساد

مقابله کنیم.

■ **آقای دکتر شاملو نظر شما را هم در مورد**

**مبارزه با فساد از سوی دستگاه قضایی**

**می‌شنویم...**

**شاملو:** اگر نگاه دقیقی داشته باشیم

بسیاری از فسادهایی که در بانک‌ها شکل

می‌گیرد این است که قوانین و مقررات

مالی و معاملاتی و حتی ضوابط قبلی

رعایت نشده. یعنی همان فقدان اصل

حاکمیت قانون. در پرونده محاکمه

شهردار تهران در سال ۷۷، در مقاله‌ای

نوشتم که قانون ممنوعیت استفاده از

رانت و دخالت مسئولان و وزرا و وکلای

معاملات و سوءاستفاده از موقعیت اگر به

درستی اجرا می‌شد خیلی از مسائل پیش

نمی‌آمد. بنابراین ضعف اصلی در عدم

تعریف فرآیندهای قانونی و شفاف برای

عملکردهای مسئولان اجرایی و بخصوص

حوزه مالی و معاملاتی است. دولت باید

دخالت خود را در امور اقتصادی کم کند و

نظرات خود را افزایش دهد. در عین حال

ما باید بگوییم که یکی از دلایل شکل‌گیری

این فسادها نقض عملکرد قضائتی است.

مثل سازمان بازرسی و دیوان محاسبات.

اینها اعمالی را که انجام می‌دهند بسیار

مثال اخیراً سازمان بازرسی آمده و عملکرد

سال ۹۲ تا ۹۷ را بررسی کرده است. مگر در

این نوشدارو پس از مرگ سهراب است.

این عملکرد خودش مفسده‌زا است و

باید آنها را مؤاخذه کرد که چقدر با تأخیر

اقدام کردید. نظرات برای پیشگیری است.

دستگاه‌های نظارتی نیز بویژه کار خود

را انجام دهند. بسیاری از این فسادها

را کسانی کشف کردند که جزر وظایف